

کاسسی ها

بر اساس آثار باقی مانده از کاسسی ها و تمدن های همزمان با آنها ، کاسسی ها از حداقل ۳۰۰۰ قبل از میلاد در ولایت کنونی لرستان ساکن بوده و به شغل دامداری و پرورش اسب مشغول بودند . کاسسی ها در اوایل هزاره دوم قبل از میلاد موفق شدند دولت مقتدری را تشکیل دهند. سلسله حکومتی کاسسی ها توسط شخصی به نام **قانداش** در سال ۱۷۶۰ قبل از میلاد بنا شد. **آقوم دوم** ، هفتمین شاه کاسسی در سال ۱۵۹۵ ق.م. به بابل که در اثر حمله هیت ها در همان سال ضعیف شده بود، حمله کرده و سومین سلسله بابل (سلسله حمورابی) را سرنگون کرده و حاکمیت در بابل را بدست گرفت. حاکمیت کاسسی ها در بابل تا سال ۱۱۷۱ ق م ، یعنی به مدت ۴۲۴ سال ادامه یافت.

آقوم دوم در کتیبه ای باقی مانده از او ، خود را ،شاه کاسسی های مورد لطف خدا ، شاه اککدها، بابل، پادان، آمان و قوتتی ها معرفی میکند (تاریخ ماد،ص ۱۲۵)

آقوم دوم مجسمه های خدایان بابل را که هیت ها برده بودند به بابل برگرداند. به عقیده تاریخدانان کاسسی ها از اقوام خویشاوند با سومریان، ایلامیان، قوتتی ها و ... بودند که بعد از مهاجرت از آسیای میانه از آنها جدا شده و در لرستان کنونی ساکن شدند .

م. **دیاکونوف** مینویسد: به طور قطعی ثابت شده است که ماننا و ماد ها با مناطق جنوبی خود روابط نزدیکی داشته و خصوصا با اهالی آنجا ، یعنی کاسسی ها از لحاظ نژادی و زبانی نزدیکی زیادی داشتند، لازم است که اضافه کنیم، که کاسسی ها نیز مثل سایر قبایل کوه نشین آنجا از لحاظ زبانی به

ایلامیان نزدیک بودند(تاریخ ماد ص ۹۱) .

دو قوم کاسسی و قوتتی از لحاظ زبانی خیلی به هم نزدیک بوده اند(تاریخ ماد ص ۱۲۵).

دیاکونوف در همان صفحه از کتابش به چند نمونه از کلمات مشترک بین آنها اشاره کرده از جمله کلمات **ائدی، دئدی، یازدی** و غیره و جالب اینجاست که این کلمات هنوز هم در زبان ترکی به همان شکل یا با اندکی تغییر تلفظی استمال میشود. در کاوشگری هایی که در سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ در لرستان انجام شد آثار زیادی از جمله زین اسب، وسایل خانگی از جنس مفرع، اسلحه، وسایل زینتی و غیره پیدا شد. نقش حیواناتی چون پلنگ، شیر، بز وحشی، عقاب و غیره که بر روی این اشیاء حک شده از ارزش هنری خیلی بالایی برخوردار هستند.

در بررسی ارتباط و خویشاوندی کاسسی ها با ترکان امروزی ، اسامی مشترک بین آنها نیز از اهمیت زیادی برخوردار هست. با نگاهی به اسامی چند تا از شاهان کاسسی این حقیقت کاملاً آشکار میشود:

-**قان داش dash Gan** (دوران شاهی ۱۷۲۶-۱۷۶۰)

-**بویوک آقوم Böyük Agum** (دوران شاهی: ۱۷۰۴-۱۷۲۵)

-**کاش تی لپاش Kashti-liash** (دوران شاهی: ۱۶۸۳-۱۷۰۴)

-**آبی را تاش Abirattash** (دوران شاهی: اواسط قرن ۱۶ ق م)

-**آقوم دوم**، با لقب kakreme (کلینج)، (حوالی ۱۵۹۰ ق م)

-**اورشی قورماش urshigurmash**

اسامی چند تا از خدایان کاسسی ها:

-**ماراتاش Maratash** (خدای جنگ)

-**بورباش borbash** (خدای رعد و برق و باران)

-قیدار Gidar (این اسم بعد ها به صورت اسم یکی از قبایل داخل ترکان اوغوز دیده میشود)

ترکیب کلمات، معنی لغوی و پسوند های ترکی در اسامی ذکر شده به خویشاوندی زبانی ترکان امروزی با کاسسی ها هیچ شبیه ای را باقی نمی گذارد.

کاسسی های حاکم در بابل بعد از اینکه حاکمیت را از دست دادند، به مرور زمان در بین سامی ها حل شدند و آنهایی هم که در لرستان بودند بعد از به قدرت رسیدن هخامنشیان از طرف تات هایی (به اصطلاح آریایی ها) که به تدریج در سرزمین آنها ساکن میشدند ، تحت آزار و اذیت قرار گرفته و اکثرشان به مرور زمان با تاتها (پارس ها، کردها) قاطی شده و زبانشان آریایی شد، ولی عده ای از کاسسی ها هنوز هم زبان خود را حفظ کرده و در شمال و شمال شرق لرستان ، یعنی در غرب همدان، اسدآباد و منطقه سونقور (سنقر) زندگی میکنند و زبانشان لهجه ای از ترکی محسوب میشود.

در اینجا لازم به ذکر است که، از خصوصیات ذاتی آریایی ها ، نمک خوری و شکستن نمکدان است، عملکرد هخامنشیان بر علیه ایلامیان، ماد ها که با آغوش باز و از روی انسانیت، به آن دربرداران نیمه وحشی در سرزمینشان جای دادند ، و آنها بعدها بر علیه آنان دشمنی کردند. یا در هزار سال بعد از اسلام، که ترکان ناموس، زبان و دار و ندار آنها را حفظ کردند، ولی آنها در اولین فرصت، زمانی که توسط انگلیس ، به حاکمیت "ممالک محروسه قاجار" نشانده شدند، ترک ستیزی را آغاز کردند و ادعای مالکیت کل ممالک محروسه را کردند. یا همین کردهای نمک شناسی که تا صد سال پیش حتی روی شهری را ندیده بودند ، و برای اولین بار توسط رژیم پهلوی از کوههای شمال عراق و سوریه آورده شده و در خاک آذربایجان سکونت داده شدند، حالا با پروپی ادعای

مالکیت شهرهای باستانی ترکهای آذری را ، مینمایند. این است ماهیت آریایی.

خوشبختانه بدلیل آثار نوشتاری و هنری زیاد باقی مانده از کاسسی ها ، پان فارسها نمیتوانند کاسسی ها را به خودشان منتسب کرده و از آنها استفاده تبلیغاتی بکنند.

عده ای از تاریخ دانان حتی بختیارها را غیر آریایی دانسته اند. **شیندلر** تاریخ دان و محقق معروف، آنان را غیر ایرانی(منظور غیر آریایی) که تبارشان به ترک ها و دیگر خلق های آلتایی می رسد و بین سالهای 1900 - 2900 قبل از هجرت به ایران آمده اند، می داند.